



دو سال از اجرای «طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش» گذشت. با همه زحماتی که مسئولان و دست‌اندرکاران این طرح اساسی در طول سال‌های متمادی و به‌ویژه در یک سال اخیر کشیده‌اند، هنوز در ابتدای مسیر قرار داریم و تا دستیابی به آموزش و پرورش مطلوب اسلامی راه طولانی و پرپیچ و خمی پیش روی ماست. اما در این دو سال حداقل شاهد آن بودیم که آموزش و پرورش ما با بنیادهای اسلامی در حال ساماندهی است که این خود دستاورد بسیار بزرگی محسوب می‌شود.

عزیزان مخاطب به‌خوبی می‌دانند که از ابتدای شروع تحصیلات نوین در کشور ما، عده‌ای که به اندیشه‌های غرب‌گرایانه و ساخت ایران نوین بر مبنای فلسفه آموزشی و تربیتی غرب تمایل داشتند، آموزش و پرورش نوین را بنیان گذاشتند. اندیشه‌های غربی گرچه متناسب با فلسفه وجودی خود تأثیرات بسیاری در جهان گذاشتند، اما چون زیر ساخت‌های آن‌ها متناسب با بافت وجودی و فطری انسان‌ها نبود، پیشرفت آن‌ها نیز صوری و عمدتاً ساختاری بود. اندیشمندان مسلمان ایرانی به‌خوبی دریافته‌اند که این نوع از تربیت و آموزش نمی‌تواند علی‌رغم شکوفایی‌ها و درخشندگی‌هایی که دارد، برای ملت مسلمان انقلاب کرده مطلوب تلقی شود. به‌ویژه وقتی این اندیشه‌ها از دنیای غرب وارد شدند، تغییرات و تحریقاتی در آن‌ها به‌وجود آمد و موجودی بی‌هویت از آن‌ها ساخته شد که نه با فلسفه غرب‌گرایانه تناسب داشت و نه با مطلوبات انسان مسلمان.

اکنون باید بدانیم که پای در چه مسیری گذاشته‌ایم و حساسیت این موضوع را بهتر درک کنیم. ما مدعی هستیم که آموزش و پرورش ما اکنون با زیر ساخت‌های اسلامی روبه‌جلو می‌رود. اگر در این امر کوتاهی کنیم و به‌همین مقدار که تا به حال تلاش شده است، بسنده کنیم، قطعاً شکست خواهیم خورد و به آمل میلیون‌ها انسان در سراسر جهان ضربه خواهیم زد. اما اگر تلاش‌های خود را بی‌وقفه پی بگیریم و در این مسیر همواره از خدای رحمان مدد جوییم، بی‌تردید پیروزی از آن ما خواهد بود. در این فعالیت‌ها همواره باید از خود بپرسیم: «این اندیشه و یا این عمل آیا مطابق با آنچه در اسلام منظور شده است می‌تواند باشد و یا آنکه از اسلام ناب فاصله گرفته است؟» به عبارت دیگر، معیار و خط‌کش ما در این حوزه، اسلام بماهو اسلام است. با این تفکر به یقین می‌توان سره را از ناسره به‌خوبی تشخیص داد و با درک فرصت‌ها گام‌های سریع و پیش‌رونده‌ای را به جلو برداشت. ان‌شاءالله.

پای در چه مسیری گذاشته ایم

تابستان و فعالیت‌های تابستانی در این میان به گمان ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است و انتظار می‌رود در این حوزه تلاش بیشتری شود. شاید پاسخ دوستان ما این باشد که ما آداب و مهارت‌های زندگی را مورد توجه قرار داده‌ایم و در قالب رویکردهای اجتماعی به مسئله تابستان پرداخته‌ایم. اما با توجه به آنچه در مدت این یک‌سال صورت پذیرفته است و برخی از استادان، معلمان و دبیران خبره و آگاه به ما منعکس ساخته‌اند، این منابع نیز بسیار جنبه بنیادی و فلسفی دارد و کمتر به ابعاد اجتماعی و مهارتی مورد نیاز دانش‌آموزان پرداخته شده است.

معمولاً ایام تابستان را اوقات فراغت می‌نامند که این با آموخته‌های دینی ما و با فطرت فعال نفوس انسانی سازگاری ندارد. اصولاً مؤمن نمی‌تواند فراغت (آسودگی خیال) داشته باشد. (فاذا فرغت فانصب) مؤمن همیشه باید تلاش کند و از ثمره تلاش خود لذت ببرد. (والی ربک فارغب) هیچ لحظه‌ای از زندگی مؤمن بدون جدیت، لذت و زیبایی نیست. حتی در سخت‌ترین شرایط، مؤمن همه چیز را زیبا می‌بیند. پس فراغت و اوقات فراغت از این منظر، به معنی بدون لذت و عشق زیستن است که ما چنین باوری را بر نمی‌تابیم که در قاموس «قرآن» آمده است: «فاذا فرغت فانصب و الی ربک فارغب» (انشرح/۷ و ۸).

این نکته را آوردیم که بدانیم به تابستان و اوقات فراغت با رویکرد فعال‌سازی باید جدی‌تر از گذشته پرداخته شود. تنها محیط آموزش از دیواره مدرسه به بعد تغییر کرده و صحنه بزرگتری به نام جامعه باز شده است که به مراتب تلاش بیشتری را باید در این حوزه سامان داد. فضای بیشتر ذهنی و عملیاتی، قطعاً تلاش و جدیت بیشتری را می‌طلبد و به گمان ما در طرح جدید آموزش و پرورش آن چنان که شایسته است بدان پرداخته نشده است. لذا توصیه می‌کنیم که تابستان، فصل تلاش و جدیت بیشتر را متناسب با اندیشه‌های اسلامی سامان دهید. بدیهی است که این به معنای نفی تفریح و سرگرمی و فراغت نیست، بلکه مقصود بهره‌برداری بیشتر و بهینه‌تر از ایام و عمر ماست که در تفریح و سرگرمی نیز پیوسته باید آموزشی بیندیشیم و با مدد از خدای متعال از لذت واقعی و الهی برخوردار شویم. به عبارت دیگر، به نام تابستان کاری نکنیم که از مطلوبات الهی خود فاصله بگیریم.

سردبیر